

مثقالی زر به جناب ملک‌الشعراى دانشور اکرام کرد، و از آن پس به نظم «خداوند نامه» مأمور گردیده در مدت سه سال سی هزار (۳۰۰۰۰) بیت سنجیده پخته در غزوات و معجزات به اخبار صحیحه و آثار صریحه ثقات منظوم آمد. این دو نامه گرامی که جامع هفتاد هزار (۷۰۰۰۰) بیت نامی است در شش سال به اتمام رسید و حکیم فردوسی در سی (۳۰) سال چهل و هشت هزار (۴۸۰۰۰) بیت نظم آورده

مصراع

ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا

و فی الواقع ملک‌الشعرا در این باب خرق عادت و معجزه کلیمی آورده:

صبا راست

اگر ز فضل تقدم سخن رود دیدیم شرننگ در دم ماران و مهره در دنبال قطع نظر از این مرحله کرده. دیوان شعراى مخصوص زمان گذشته را ببینیم که زیاده از سه چهار هزار (۳۰۰۰-۴۰۰۰) بیت الی ده هزار (۱۰۰۰۰) در آن دواوین مجموع نیست، چنانکه دیوان حکیم عنصرى بلخى ملک‌الشعراى محمودى و منوچهرى دامغانى و ابوالفرج رونى و در هر یک هزار (۱۰۰۰) بیت زنده افزون نخواهد بود و در دیوان ملک‌الشعراى مرحوم سی هزار (۳۰۰۰۰) بیت متین مشهود است و مثنوى «لیلی و مجنون» و «هفت پیکر» از مثنویات جناب ملک‌الشعرا نیز در بعضی اسفار مفقود شده و مثنوى موسوم به «عبرت نامه» آن جناب عبرت اولوالالباب و محتوی بر مضامین دقیقه است.

علی‌الجمله حضرت ملک‌الشعراى بالاستحقاق در اخلاق و احوال نیز از همگان طاق بوده و در سنه ۱۲۳۸ (هـ / ۱۸۲۳ م) در طهران رحلت یافته و فرزند اکبرش محمدحسین خان متخلص به «عندلیب» بالارث و الاستحقاق بدین منصب اختصاص گزیده، چندین هزار بیت قصاید و غزلیات دارد، بعضی در «مجمع الفصحا» مسطور است. و تفصیل کمالات آن جناب و برادر کهنترش ابوالقاسم خان فروغ و فرزند امجدش میرزا محمودخان و میرزامحمدخان در ضمن فضلا و شعراى دولت ابد مدت خاقان سکندرشان مرقوم خواهد افتاد.

میرزا سید محمد سحاب مجتهد الشعرائی اصفهانی

خلف‌الصدق میرزا سید احمد طبیب اصفهانی متخلص به «هاتف» بوده، بعد از زیارت مکه معظمه به شرفیابی آستان خاقان صاحب قران قرین سعادت شده به داروغگی دفتر و لقب «مجتهد الشعرائی» مخصوص شد. در علم عروض و قافیه و حساب و طب استحضاری تمام داشته و سالها همت به مداحی خاقان قاجار گماشته تا در سنه ۱۲۲۲ (هـ / ۱۸۰۷ م) رحلت کرده، هشت هزار (۸۰۰۰) بیت دیوان دارد و تذکره مسمی به «رشحات سحاب» می‌نگاشته، رساله «سحاب‌البکا» در مغازی و مرثیاتی حضرت امام حسین علیه السلام نگاشته، اشعارش در «تذکره انجمن خاقان» فاضل خان راوی و «مجمع الفصحای» من بنده رضاقلی المتخلص به «هدایت» مضبوط است.

آقا سید حسین مجمر اصفهانی رحمة الله

از سادات طباطبائی اردستان بوده و در اصفهان تحصیل نموده در زمان اشتغال به تذهیب ضمناً تهذیب اخلاق کرده و روی به درگاه جهان پناه خسرو آفاق آورده به واسطه اوراق مذهب و اخلاق مهذب در خدمت جناب ابوالفضل والمعانی معتمدالدوله اصفهانی راه یافته و به میانجی تعریف آن سید بزرگوار و دبیر معجزه آثار به بارگاه حضرت خاقانی شتافته از ملتزمین رکاب اعلی شد و لقب «مجتهد الشعرائی» یافت و به نواب حسنعلی میرزا سپرده آمد.

بالجمله در سفر و حضر به مدحتگزاری خاقان بحر و بر می‌پرداخته [۳۵۷]؛ قصیده را به طرزی تازه و غزل را به ملاحظتی بی‌اندازه می‌سروده، در سنه ۱۲۲۵ (هـ / ۱۸۱۰ م) در عین جوانی از این سرای سپنج درگذشت، دیوانش معروف و اشعارش مشهور است.

میرزا فضل الله خاوری شیرازی

خلف میرزا عبدالنبی حسینی شیرازی و نبیره جناب آقامحمد هاشم ذهبی مرحوم بوده، در بدو حال تربیت از صدر فلک قدر میرزا شفیع مازندرانی یافته و به توسط او در حضرت اعلی شتافته، محرر رسیده جات بود و چندی نیز وزارت نواب همایون میرزا نمود، آخر الامر استعفا کرده، در سلک منشیان دیوان اعلی انخراط یافت.

و چون تاریخی دلپسند و کامل و جامع در دولت خاقان مغفور تحریر نیافته بود، زیرا که جناب میرزا رضی تبریزی وقایع دوازده (۱۲) سال از دولت خاقان گیتی ستان نگاشته، وفات یافت و آن تاریخ به اتمام نرسید، و همچنین جناب میرزا صادق وقایع نگار بنای «تاریخ جهان آراء» گذاشته بعد از نگارش صادرات بیست و دو (۲۲) سال رحلت یافته، و آن دو تاریخ منشیانه و مترسلانه با الفاظی مغلق و بیانی متعقد به تحریر آمده، و در فن تاریخ فصاحت بیان و عذوبت لسان و صراحت معانی و صرافت مبانی مطبوع است، لهذا میرزای مشارالیه که در نظم و نثر طبعی متوسط داشت به نگاشتن تاریخی ساده مأمور شد.

وقایع آباء و اجداد امجاد خاقان را در کمال اختصار نوشت و روزنامه صادرات ایام را تا رحلت خاقان صاحب قران به تحریر آورد، ولی در بهاریات براعت استهلال به طرز ناپسند کرده که ادباء و فصحای این عهد را مطبوع نیست، و اسامی اهالی حرم محترمه و بنات مخدیره مکرمه خاقان صاحب قران را بر وجهی القاب داده که از ادب بعید است، و عقلا این گونه بیان را در اهالی سرادقات عصمت ملوک نکوهیده شمرند.

علی الجملة دیوانی تمام کرده و چون «خاوری» تخلص داشته آن را «مهر خاوری» نام نهاده، مع هذا مردی باکمال و با حال و سیدی عزیز و مکرم بوده، برادر کهنترش میرزا ابوالقاسم مشهور به «میرزا بابا» سیدی است جلیل القدر و فاضلی منشرح الصدر و مریدان سلسله علیه ذهبیه به خدمتش ارادت بی شمار دارند و وجودش را غنیمت می شمارند.

میرزا محمد مهدی ملک الکتاب فراهانی

از اجله سادات حسینی و اعزّه بنی اعمام جناب قایم مقام فراهانی رحمت الله است. از علوم عربیه و ادبیه بهره کافی داشته و در حسن خط مسلم معاصرین آمده، به توسط جناب ملک الشعرا کاشانی در حضرت خاقان صاحب قران معروف افتاد و به منصب ملک الکتابی اختصاص یافت، با وجود صفا و رعونت خط، در هنگام تعجیل کتاب به هر روزی یکهزار (۱۰۰۰) بیت درست نغز لطیف نیکو می نگاشته، و انفاذ حضور خاقانی می داشته، مورد الطاف و اکرام و تشریف و انعام می آمده. در شعرش نیز تسلطی وافی و تبعی کافی بوده «عشرت» تخلص داشته و عمری به عشرت می گذاشته.

خانلر خان زند متخلص به فرّخ

اسم شریفش محمد حسن خان و خلف الصدق علی مرادخان زند و بطناً نبیره سلطان شهید محمد حسن خان قاجار قوینلو بوده و در حضرت خاقان سکندرشان صاحب قران محرمیتی خاص داشته، چندی به وزارت نواب شاهزاده شیخ علی میرزا مأمور گردیده دیگر باره التزام رکاب خاقانی را بر آن رجحان داد. در هنگام فتنه محمد قاسم خان دامغانی در کرمان به تحقیق آن اخبار رفته به تحریک مفسدین شب در قلعه باغین او را مقتول کردند، اشعار نیکو داشته قلیلی از آن را مسطور کرده ام رحمة الله.

حاجی عبدالرزاق بیک دنبلی رحمة الله

خلف الصدق نجف قلی خان دنبلی بیگلربیگی تبریز است که در این تاریخ ذکر

احوالش علی‌التفصیل به تحریر در آمده، بعد از پدر نامور از قبول ایالت و حکومت تحاشی کرده به تحصیل کمالات و تبدیل حالات کوشید تا در علوم متداوله و در اخلاق متحاسنه فرید عهد گردید، غالب اوقاتش به نشر علوم می‌گذشت در نگارش «زینت التواریخ» با میرزا رضی سهیم بوده و خود تاریخی مختصر موسوم به «مآثر سلطانی» در وقایع این دولت نوشته و تا یکهزار و دو بیست و چهل و یک (۱۲۴۱ هـ / ۱۸۲۵-۱۸۲۶ م) غالب فتوحات نایب‌السلطنه را مرقوم داشته رساله‌ای نیز موسوم به «ناز و نیاز» مرقوم کرده به نظر نرسیده، کتاب «دررغرر» اشعار عرب و عجم نیز به تحریر در آورده و زیارت شده، همانا صورت اتمام نیافته یا مؤلف تمام آن را ندیده. در سنه ۱۲۳۴ (هـ / ۱۸۱۹ م) به زیارت مکه معظمه رفته باز آمده، پس از چندی رحلت یافته. بهاء‌الدین آقای فرزندش در خدمت نواب نایب‌السلطنه و نایب السلطنه محمد میرزا تفری تمام حاصل کرده شرح حالش مرقوم خواهد افتاد. بعضی از اشعار حاجی مذکور که «مفتون» تخلص می‌فرموده در «مجمع الفصحاح» سمت تحریر یافته رحمة الله.

میرزا معصوم فراهانی متخلص به محیط

فرزند فاضل جناب میرزا عیسی‌الحسینی الملقب به قایم‌مقام بزرگ و برادر میرزا ابوالقاسم قایم‌مقام ثانی است، در اخلاق حمیده و صفات پسندیده فرید و وحید و در اشعار عربی و عجمی متنبی عهد و انوری عصر بوده است. در خدمت نواب نایب‌السلطنه تربیت یافته و به وکالت امور قایم‌مقام در طهران می‌زیسته، در سنه ۱۲۳۵ (هـ / ۱۸۲۰ م) درگذشت رحمة الله.

میرزا احمد صبوری کاشانی

برادرزاده آزاده جناب ملک‌الشعرا و در خدمت نواب شاهزاده نایب‌السلطنه در سلك منشیان و ندیمان منسلک بود، و کمالات نفسانی و روحانی جمع داشت.

گویند متعجب و شب زنده دار و مقدس و طاعت شعار بوده تا در حادثه ارگوان طالبش چنانکه در اصل تاریخ آمده رزمی با روسیه کرده به مرتبه اعلای شهادت رسید، و حضرت نایب السلطنه با پسرش میرزا محمد تفقذات بی نهایت فرمود و متعلقین او را در مهد امن و امان و فراغت و وسعت تربیت نمود، اکنون نیز در طهران و در اخلاق از همکثان طاق است اللهم احفظه.

محمد مهدی خان شحنه مازندرانی

خلف محمد خان بن حاجی محمد خان بیات اوبهی هراتی است، جدش در زمان نادر شاه مأمور به ساختن چند فروند کشتی گشته به مازندران آمده، در بندر مشهدسر و پازوار به انجام این خدمت می زیست، و ضمناً [۳۵۸] دریابگی و حکومت مازندران ضمیمه آن خدمت شد. و از آنجا که وی مردی شجاع بود و ارباب غرض از او سعایت کردند، پادشاه دو چشم او را برآورده، بعد از نادر شاه با میرزا مهدی خان به مکه معظمه رفته به مازندران باز آمد. نواب محمد حسن خان هرگاه به مازندران رفتی و به زیارت مشهدسر توجه فرمودی، شبی در پازوار در خانه او خفتی و او را پدرا نه تمجید کردی و از روزگار دولت نادر شاه سوالات فرمودی. بعد از مضای زمان حیاتش محمد حسین خان ولد اکبر او که مادرش صبیبه محمد خان افشار حاکم مشهد مقدس بود و جدّ اُمّی مؤلف است به هرات رفته به جهت منال او که ملک موروثی اوست توقف کرده، هم در آنجا درگذشت. و محمد حسن خان در خدمت نواب علی قلی خان عم خاقان بوده و وفات نموده، خاقان صاحبقران، محمد مهدی خان را که ولد او بود به یساولی حضرت مأمور و همشیره اش را در سلک خادمان حرم منسلک داشت. رفته رفته محمد مهدی خان صاحب مناصب شده و به خدمت نواب حسین علی میرزا فرمانفرمای فارس رفته ترقیات عظیمه کرده به وزارت ملکزادگان و سرداری بعضی از آن سامان و شحنگی شیراز و قوللر آقاسی باشی ممتاز بود. در حینی که رنجیده به اصفهان آمد و در خدمت نواب شاهزاده سیف الدوله بود، در سنه ۱۲۴۷ (هـ ۱۸۳۱-۱۸۳۲ م) وفات یافت و مؤلف را با وی دو سه قرابت و از آن جمله یکی مصاهرت اوست. شرح

حالش در انجمن خاقان با اشعارش مذکور است.

فاضل خان گروسی راوی رحمة الله

خود در خاتمه «انجمن خاقان» آورده که فقیر را اسم محمد و لقب «فاضل» و تخلص «راوی» و طایفه بایندری و ولادت در یکهزار و صد و نود و هشت (۱۱۹۸ هـ / ۱۷۸۴ م) بوده است و در یکهزار و دوست و چهارده (۱۲۱۴ هـ / ۱۷۹۹ م) جلاء وطن نموده.

القصة بعد از ورود به دارالخلافه همانا به خدمت جناب ملک الشعرا که دربارش مرجع امرا و فقرا بود رسیده و در روایت اشعار او را فصیح دیده، در مقام تربیتش بر آمده، به حضرت اعلیٰ برده راوی خود مقرر کرده به تربیتش کوشید تا اسمی بامسمی یافت و ادیبی فاضل شد و منصب «جارچی باشی» یافت.

و در مجلس امرا به مصاحبت شتافت، چون در طبیعت آن گروه به خالت و حسد ره نداشت هر یک به قدر خویش او را مشوق و مقوی شدند، از آنجا که طبع حضرت خاقان موزون و شعرای حضرتش از فرزندان و امرا از حد حصر بیرون بودند، مقرر فرمود که تذکره‌ای مشتمل بر اشعار شعرای متاخرین و معاصرین به تحریر آرند، احمد بیک گرجی متخلص به «اختر» که به واسطه طال اللسانی امیر کبیر سلیمان خان قاجار به قطع زبانش حکم رانده بود، مدعی این خدمت شد و عمرش به سر رسید، برادرش محمد باقر بیک «نشاطی» تخلص چندی بدین کار پرداخت، او نیز طبل رحیل نواخت و این خدمت به عهده فاضل خان مقرر گشت.

نثری ادیبانه بر آن نظمها افزوده به «انجمن خاقان» موسوم کرد و به هر ولایتی از آن نسختی فرستاد و مبلغی خطیر از شاهزادگان صله و جایزه یافت، بالاخره در سنه ۱۲۵۲ (هـ / ۱۸۳۶ م) درگذشت.

حاجی اکبر نواب شیرازی

قدوة علما و زبده فضلا و برادرزاده مرحوم آقابزرگ مدرس و خلف الصدق

آقاعلی مغفوره بوده که اهل خاندانی فضیلت بنیان بوده‌اند. و آن جناب به حیلۀ کمالات عربیه و ادبیه محلی بوده، نظماً و نثراً عربیاً و فارسیاً به رتبهٔ اعلیٰ شتافته، تالیفات عالیه داشته مانند «نورالهدایه» در اثبات نبوت خاصه و شرح «سی فصل خواجه نصیرالدین محمد طوسی» رحمة الله و حاشیه بر «تفسیر قاضی بیضاوی» فارسی. و در حضرت شاهزاده فرمانفرما با عزتی عظیم و مکانتی جسیم به لقب «نوابیت» ملقب و در درگاه خاقان بی همال معروف و به صفت فضل و کمال موصوف، منصب نقابت اشراف و رقابت اوقاف از حضرت خاقان صاحبقران به وی مخصوص شده.

در اشعار فارسیه از قبیل غزل و قطعه و رباعی ماهر، بالاخره در سنه ... رحلت نمود و تذکرهٔ موسوم به «دلگشا» نگاشته. فرزندان صاحبان فضل و کمال و به القاب صدریت و نوابیت موصوف و در شیراز به عزت و ثروت معروفند، اشعارش در «ریاض العارفین» مؤلف مضبوط است رحمة الله.

میرزا کوچک وصال شیرازی

اسم شریفش میرزا محمد شفیع و پایه کمالاتش به مقامی رفیع از علوم ادبیه عربیه با بهرهٔ تمام، و در صناعات یدی مسلم اهل ایام، تمام خطوط را خوش نگاشتی و در خط نسخ ناسخ نام خوشنویسان عصر بودی، در علم موسیقی مهارت کامل و در حسن صوت و حسن صورت صفت خاصه داود و یوسف را شامل، در طریقه فقر و قناعت با تکمیل و مناعت، چون خاقان صاحبقران به شیراز آمد جناب او را به مجلس اعلیٰ خواند و مورد الطاف فرمود، و به اشراف در کمالات نسبت داد. و وی اگر چه این فرمایش از روی تفقد و تحسین بود برنجید.

مع القصه جامعیت تمام داشته و مصاحف و دعوات پسندیده نگاشته که هریک را به مبلغی خطیر هدیه کردند و به اقالیم بعید بردندی، دیوان قصاید و غزلیاتش بحری است پر لثالی ثمن و مثنوی وحشی بافقی را که در حکایات «فرهاد و شیرین» منظوم است تمام کرده و بسیار شیرین فرموده. فرزندانش همه با کمال و استعداد و صاحب طبع عالی باشند مدتی است که صحبت ایشان دست نداده، چون در

قواعد تاریخ نگاری زیاده از این نگاشتن بی‌موقع است، مفصلاً در تذکره مؤلف مرقوم خواهد شد.

میروزا ابراهیم شیرازی

مردی خوش محاوره طلیق‌اللسان عذب‌البیان، خوش طبع مهربان بوده، افسانه‌های «رموز حمزه»^۱ و امثال ذلک را به شعرهای مناسب آمیخته در شبهای استراحت و ایام اسفار حضرت خاقان قاجار به طرز خوش و آهنگی دلکش فرو خواندی، در مخلص غزلیات «منظور» تخلص کردی، چه بسیار شبها که گوش بر افسانه‌های مطبوع وی کرده به روز رسانیدیم، رحمة الله.

نشاطی خان هزار جریبی رحمة الله

در بدو حال به شغل دهقنت و فلاحت موروثی مشغوف بود، طبعی موزون داشت و به شاعری پرداخت، و به یمن تربیت خاقان صاحبقران از شعرای رکاب شد، و در قصیده‌سرایی و قطعه‌درائی پایه یافت. و از وجوه صلات و جوایز مایه اندوخت، نظر به استدعایش [۳۵۹] تخلص را به لقب «خانی» زینت داد و بدین

۱. رموز حمزه داستان عامیانه فارسی، شامل دلاوری‌ها افسانه‌ای منسوب به حمزه پسر عبدالمطلب که امیر صاحب قران نام دارد و داستان دلاوری‌های او بسیار مفصل و به دور از واقعیت‌های تاریخی است. رموز حمزه ظاهراً در دوره صفویه تألیف شده و مثل بسیاری از داستانهای عامیانه قدیم تحریرهای مختلف دارد و به نامهای: اسمارالحمزه، قصه امیر حمزه، و حمزه‌نامه نیز مشهور است. در رموز حمزه از قهرمانی‌های گروهی به نام عیاران بسیار سخن رفته و بعضی پنداشته‌اند که سرگذشت‌های منسوب به حمزه خارجی از خوارج و دلاوران سیستان نیز در این کتاب رنگ قدیمی‌تری به خود گرفته است و با اغراقها و خیال‌پردازی‌های فراوان به حمزه پسر عبدالمطلب نسبت داده شده است. داستانهای حمزه به عربی، ترکی، هندی، مالایائی و جاوه‌ای ترجمه شده و افسانه‌های اقوام مختلف را در خود جذب کرده است. مکرر به چاپ رسیده و داستان امیر حمزه صاحب قران خلاصه‌ای از آن است.

لقب معروف و به صفت هجاگوئی موصوف آمد، غالب اکابر عهد را هجای رکیکه گفته، در آخر عمر تائب شد و به مراثی راغب. در سنه ۱۲۶۲ (هـ / ۱۸۴۶ م) در گذشت.

نصرت طالش

اسمش سلطان حسین بیک طالش یوزباشی غلامان خاصه سرکار امیرکبیر مطلق ظهیرالدوله محمد قاسم خان قاجار قوینلو بود، و برادر دیگرش محمدقلی بیک را به جهت حسن صورت و خال و چشم «ماه یک چشم» خواندندی. در شیراز مکرر صحبتش دست داد، دیوانی ترتیب کرده بود. در قصیده و غزل هر دو قادر و اشعار پسندیده از طبعش صادر، آخر الامر در گیلان متوطن شد. الحاصل از مداحان امیرکبیر مطلق و به توسط کارگزاران آن دربار در حضرت خاقان قاجار مدحت بردی و عرضه کردی، مدتی است که از حالش اطلاعی حاصل نیامده.

طرب همدانی

جناب میرزا یوسف شیخ الاسلام از مشاهیر فضیلائی این روزگار بوده، دوازده (۱۲) سال در اصفهان تحصیل نموده به توسط جناب فخرالدوله به منصب موروئی یعنی قضای همدان رسیده، در خدمت شاهزاده مرحوم دولت‌شاه عزت و جاه یافته، برادر جناب میرزا ابوالقاسم ذوالریاستین است که از مشاهیر وزرا و فضلا و شعرای این دولت بوده است، اشعارش در «انجمن خاقان» مسطور است و به مزید دانش و حسن تقریر مشهور، در حضرت شاهزاده نایب السلطنه با مرتبتی رفیع و منزلتی منیع بوده اند، و ذکر حال ذوالریاستین بعد از قضیه خاقان صاحبقران در ضمن تاریخ مذکور خواهد شد.

میرزا عبدالباقی اصفهانی

بنی عم جناب ابوالمعالی معتمدالدوله نشاط اصفهانی و نبیره میرزا عبدالباقی طبیب، و کلانتر شهر اصفهان بوده، از آن شغل استعفا کرده به زیارت عتبات رفته. بعد از رجوع نواب شاهزاده دولت‌شاه جنابش را به منادمت حضرت گزیده از رجعت اصفهان ممنوع فرموده.

میرزا عبدالعلی یزدی متخلص به کوکب

خلف جناب میرزا محسن خراسانی است که به استدعای تقی خان یزدی در یزد متوطن و به تدریس مدرسه تقی خان متفرد بوده، و میرزای معظم‌الیه در آن شهر متولد آمده به انواع هنر و کمالات معروف و به خوشنویسی خط‌نسخ موصوف گشته، و جماعتی از ارباب سلیقه و خیرت خط وی را بر خط میرزا احمد نیریزی رجحان نهاده‌اند. علی‌ای حال در دولت خاقان صاحبقران به منصب جلیل صدارت علما ملتزم رکاب ظفرمآب بوده، و همواره در بارگاه از همگنان ممتاز همی زیسته، اشعار نیکو دارد.

میرزا محمد ندیم

حضرت خاقانی را از ملازمان قدیم و در آن آستان نهایت عزت و محرمیت داشته، غالباً به صحبت‌های نمکین مزاج صاحبقران را قرین انتعاش می‌داشته و گه‌گاه کتاب خوانی می‌کرده، و گاه شعری مناسب می‌گفته، نظماً و نثراً تالیفات از وی دیده شده و بعضی مطایباتش از برادرزاده او میرزا محمدقلی پیشکش نویس دولت خاقانی شنیده آمده رحمة الله.

هدایت مازندرانی

از موزونان عهد دولت ابد مدت و از خانه‌زادان خاقان صاحبقران بوده، والدش محمد هادی چاردهی الاصل، بعد از خدمت نواب جعفرقلی خان بن سلطان محمد حسن خان قاجار و شهادت او سالها در خلوت خاقان سعید شهید بود و در سفر شوشی از شدت توهم از خدمت رکاب تباعد گزیده به عتبات رفت، و در آغاز دولت خاقان حسب الامر اعلی به طهران باز آمده، در سفر خراسان در رکاب اعلی بود. و در هنگام مأموریت نواب فرمانفرما به فارس به تحصیلداری کل متوجهات دیوانی مخصوص و در سنه ۱۲۱۸ (هـ / ۱۸۰۳ م) وفات یافت.

[رضاقلی خان هدایت

ابن هدایت مازندرانی]

و بنده ناقابل مدتی در مازندران و طهران و شیراز تحصیل کرده به ملازمت نواب فرمانفرما و منادمت نایب‌الایاله رضاقلی میرزا و بعضی مناصب مناسب به سر بردم تا بعد از دولت خاقان به طهران آمده در حضرت محمدشاه فلک‌جاه به بعضی خدمات مفتخر شدم.

و اکنون که سال یکهزار و دوست و هفتاد و دو (۱۲۷۲ هـ / ۱۸۵۶ م) است بعد از مراجعت از سفارت خوارزم و مأموریت به مدرسه دارالفنون به امر حضرت خاقان خواقین و سلطان سلاطین غیاث‌الاسلام و المسلمین ناصر المله و الدین سلطان ناصرالدین شاه بن سلطان محمد شاه بن عباس شاه بن فتحعلی شاه بن جهانسوز شاه بن محمد حسن خان سعید بن فتحعلی خان شهید نورالله مضاجعهم قرب سالی است که حسب الامر به نگارش این تاریخ مأمورم و بر حسب امر اعلی از سنه نهصد و پنج (۹۰۵ هـ / ۱۵۰۰ م) الی الان وقایع و صادرات سیصد و شصت و هفت سال (۳۶۷) سال سلاطین صفویه و قاجاریه را نگاشته، ضمیمه «روضه الصفا» ی میرخواند خواهم کرد و به خدمتی دیگر شروع خواهد رفت.

و در مدت عمر به جز این تالیف در نظم و نثر نامه‌ها پرداخته‌ام و سی هزار

(۳۰۰۰۰) بیت از قصاید و غزلیات موزون ساخته. اسامی بعضی از کتب فقیر از این قرار است: هدایت نامه، انیس العاشقین، گلستان ارم، ریاض العارفین؛ بحرالحقایق، لطایف المعارف، مجمع الفصحا، مظاهر الانوار، انوار الولاية، منهج الهدایه، مفتاح الکنوز؛ مدارج البلاغه، فهرس التواریخ، خرم بهشت، سفارتنامه خوارزم.

امید که به یمن توجهات حضرت سلطان عصر و خاقان عهد جلد دهم این تاریخ خجسته ترتیب نیز سمت انجام یابد و مقبول خاطر دریا مقاطر همایون اعلی شود، و چنانکه مقرر است مطبوع و متعدد و منتشر گردد.

اگر چه شعرای این دولت از بدو ظهور و کشورگشائی خاقان شهید اکنون زیاده از حد تحریر و تعداد جمعی معروف ملتزم رکاب نصرت معطوف اجمالاً مذکور شدند و تفصیل شعرای عهد در کتب تذکره قوم مبسوط و تشخیص آن به مطالعه انجمن خاقان و غیر هم منوط، لهذا به ذکر اسامی سامی بعضی علما و حکما و عرفای عهد خاقانی می پردازد:

در ذکر جمعی از اعظام
 علما و فضلا و حکما و عرفای
 معاصرین دولت ابد مدت
 کثرهم الله تعالی علی الاجمال
 [آقا محمد باقر بهبهانی]

جناب فضایل مآب عالم عامل مجتهد کامل آقا محمد باقر بهبهانی از علمای معروف و مشهور عهد خاقان سعید شهید بوده و در سنه ۱۲۰۵ (هـ / ۱۷۹۰-۱۷۹۱ م) رحلت [۳۶۰] نموده.

جناب آقا سید مهدی طباطبائی
 رحمة الله

از فحول علما و فضلائی عهد خاقان شهید و از اهل بروجرد و ملقب به «بحر

العلوم» بوده، در سنه ۱۲۱۲ (هـ / ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ م) که سال اول جلوس خاقان صاحبقران است رحلت نموده^۱ رحمه الله.

جناب میرزا ابوالقاسم جاپلقی مشهور به قمی طاب ثراه

از مشاهیر مجتهدین این ایام و خاقان صاحبقران را بدان جناب خلوص تمام و در سنه ۱۲۱۲ (هـ / ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ م) رحلت یافته^۲.

جناب آقا سید علی طباطبائی رحمة الله

از معارف سادات عالی درجات و مجتهدین شیعه و رحلتش در سنه ۱۲۱۳ (هـ / ۱۷۹۹ - ۱۷۹۸ م) بوده^۳.

میرزا محمد تقی کرمانی رحمة الله

از فحول فضلا و حکمای عهد بوده و گاهی طبابت می نموده، وفاتش در سنه ۱۲۱۵ (هـ / ۱۸۰۰ م) [بوده].

۱. آقا سید مهدی بحر العلوم مؤلف: وافیة در علم اصول، منظومه و مصابیح در فقه است.
 ۲. اعتضاد السلطنه گوید: مصنف «قوانین» در علم اصول و «غنائم» و «منهاج» و «سؤال و جواب» در فقه و «اصول الدین» در علم حکمت و کلام «معین الخواص مرشد العوام» (اکسیرالتواریخ، ۲۸۶).
 ۳. آقا سید علی طباطبائی مؤلف شرح متعدده در فقه از آن جمله: شرح اکبر، شرح کبیر، شرح متوسط و شرح صغیر است.

حاجی عبدالوهاب نائینی

از مشاهیر اهل معرفت و ریاضت بوده و در سنه ۱۲۱۴ (۱۷۹۹ م) رحلت نموده.

جناب میرزا محمد مهدی شهرستانی

از فحول علمای عهد خاقان صاحبقران بوده و در سنه ۱۲۱۶ (۱۸۰۱ م) رحلت نموده.

حاجی میرزا محمد نیشابوری

از فضیلابی عهد خاقان صاحبقران بوده و در سنه ۱۲۳۲ (۱۸۱۷ م) مقتول شده.^۱

۱. اعتضادالسلطنه گوید: اصل آن جناب از بلدة نیشابور بود ولیکن در اکبرآباد هند قدم به عرصه هستی نهاد و چون به حد رشد رسید به جانب عتبات عالیات ابواب حرکت گشاد و در شریعت مرتبه اعلی داشت و در طریقت هم سلسله خود را به مهدیه می‌رسانید و به طریق اخبار و حدیث عمل می‌نمود. اجتهاد را بی‌پا؛ و ظن در کلام خدا را خطا می‌دانست و علمای اصول را قدح و مذمت می‌کرد که انّ الظن لا یغنی من الحق شیء و ان بعض الظن اثم بنابراین علمای دین کینه او را در سینه داشتند و او را تکفیر و خلق را به اذیت وی می‌گماشتند. آن جناب چون توقف کربلا را کرب و بلا دید عازم عراق عجم گردید، به صحبت شهریار ایران حضرت اعلی فتحعلی شاه شتافت و در خدمت ظلّ اللّهی کمات عزت و احترام یافت، و در دارالخلافه از وی کرامات و خوارقی عادات به عرصه ظهور آمد. یکی از آن جمله این که در آن هنگام اشپخدر سردار سپاه روس با خسرو سکندر کوس، کوس مخالفت می‌نواخت و از ظفر و شکست آذربایجان را ویران می‌ساخت، جناب حاجی ملا محمد متعهد گردید که پس از مدت چهل روز در فلان ساعت سر اشپخدر در دارالخلافه حاضر خواهد شد و پس از مدّت مزبور آن چه مذکور ساخته بود کما هو حقّه به عرصه ظهور آمد، آری:

وی خیر دادی به فکر روشن و رأی مفید آنچه فردا منقش گشتی بر الواح ضمیر
خلاصه کلام آن جناب مدت چهار سال در دارالخلافه در ظلّ رایت حضرت اعلی مقام داشت و لوای عزت و احترام می‌افراشت، پس از آن اهل کینه و حسد ... طبع شهریاری را یاد به غیر دادند. مجتهدین نیز از عزت وی بنای شورش نهادند و آن جناب دیگر بار ناچار روانه عراق شد و در آن دیار به حکم و فتوای علمای اصولی یکی از آن جمله آقا سیدعلی آن جناب را با یک پسر و یک شاگرد شهید کردند و در کاظمین نزدیک به قهوه‌خانه مدفون شد رحمت‌الله علیه. ←

حاجی میرزا ابوالقاسم شیرازی

از مشاهیر اهل حال و ریاضت بوده در سنه ۱۲۳۹ (هـ / ۱۸۲۳-۱۸۲۴ م) رحلت نموده.

حاجی محمد جعفر همدانی

از معارف علما و عرفای عهد خاقان بوده؛ و در سنه ۱۲۳۹ (هـ / ۱۸۲۳-۱۸۲۴ م) رحلت نموده.

جناب فخر الحکماء الالهیین

ملا علی نوری

از فحول محققین عهد خاقان صاحبقران بوده، در سنه ۱۲۴۶ (هـ / ۱۸۳۰-۱۸۳۱ م) رحلت نموده رحمة الله.

جناب آقا سید محمد مجتهد

رحمة الله

از معارف مجتهدین و سادات بوده در سنه ... رحلت نموده.

جناب آقا میر محمد حسین اصفهانی

امام جمعه و جماعت اصفهان بوده در سنه ... رحلت نموده.

حاجی محمد حسن قزوینی رحمة الله

از مجتهدین عهد و ساکن شیراز بوده و در سنه ... رحلت نموده.

جناب آقا محمد بید آبادی اصفهانی

از فحول محققین عهد خاقان بوده و در سنه ... رحلت نموده.

شیخ مفید شیرازی رحمة الله

از مشاهیر مشایخ شیراز و معاصر خاقان صاحبقران بوده، و در سنه ... رحلت نموده.

آقا محمد علی کرمانشاهی

از معارف و فضلالی عهد خاقان بوده و در سنه ... رحلت نموده.

حاجی محمد حسین شیخ زین الدین

از معارف علمای عهد بوده و در مسجد شاه اصفهان امامت می نموده، در سنه ... وفات یافته!

۱. اعتضاد السلطنه گوید: در سنه ۱۲۳۴ هـ در کربلای معلی جناب مجذوب علی شاه را به جای خویش نشانید و خود در همان سال در شب چهارشنبه یازدهم ماه محرم الحرام حین قنوت نماز مغرب داعی ارجعی را بیک گفت و در خارج دروازه نجف اشرف ... مدفون گردید (اکسیرالتواریخ، ۲۸۰).

جناب ملا احمد یزدی

از محققین عهد بوده در شیراز رحلت نموده.

آقا میرزا مهدی الحسنی

از فحول علما و مجتهدین بوده، در سنه ۱۲۱۸ (۱۸۰۲ هـ) م نادر میرزای افشار او را در مشهد مقدس شهید نموده.

حاج محمد حسن نائینی یزدی

از مشاهیر ارباب ریاضت و حال بوده، سنه [۱۲۴۷ هـ / ۱۸۳۱ م] در نائین رحلت نموده.

حاج محمد ابراهیم کلباسی

از فحول علما و فضیای عصر بوده در اصفهان وفات یافته^۱.

جناب حاج سید محمد باقر رشتی

طاب ثراه

از اعظام مجتهدین عصر بوده و «حجة الاسلام» لقب داشته و شرح حال آن جناب در ضمن سلطنت خاقان گیتی ستان سلطان محمد شاه ثانی مذکور خواهد

۱. اعتضادالسلطنه گوید: کلباس قریه‌ای است من قرای خراسان و حاجی ملا محمد ابراهیم کلباسی ساکن دارالسلطنه اصفهان و مصنف «اشارات قدیم» در علم اصول و «اشارات جدید» و «شرح کفایه» در فقه و کتاب «منهاج» از اول فقه الی مواریث، رساله «ارشاد در عبادات» و رساله «نخبه در فقه».